

## انتقاد دفتر بانوی اول کشور...

ادامه: برای یک ژورنالیست مسئول و یک هفته نامه پر تیراژ ایجاب می کند تا صحت خبرش را تحقیق نماید و برای نشر چنین خبری باید هر دو طرف قضیه را مطالعه نموده و بعداً خبر را به قضاوت خواننده گانش بگذارد.

در این جای شک نیست که آزادی بیان یک هدیه گرانبهائی دیموکراسی نو پای افغانستان است ولی آزادی بیان با مسئولیت های مطبوعاتی می آید خصوصاً درین وقت حساس کشور برای مطبوعات آزاد افغانستان لازم است تا از سلیقه های سیاسی، گزارشات عاطفی و احساساتی پرهیز نموده و افکار مردم شریف افغانستان را مغشوش نسازند. بناً از خواننده گان محترم هفته نامه صدای مردم تقاضا به عمل می آید تا برای معلومات بیشتر در جهت کار و فعالیت های دفتر بانوی اول کشور به صفحه فیسبوک و وب سایت نشراتی دفتر مراجعه نموده و خود قضاوت نمایند.

صفحه فیسبوک <https://www.facebook.com/OFLIRA/>  
 وب سایت <http://firstlady.gov.af>

سال سوم، یکشنبه، ۳۰ عقرب ۱۳۹۵ هجری خورشیدی، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۶ شماره ۱۰۸

یادداشت: هفته نامه "صدای مردم افغانستان"، به تاریخ ۲۳ عقرب سال جاری، مطابق ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶ مضمونی را زیر عنوان "معاش امتیازی کارمندان بی بی گل؛ جای خالی ۲۴۱ معلم" به نشر رساند.

دفتر بانوی اول کشور، در رابطه به آن مضمون واکنش نشان داده و به آدرس الکترونیکی هفته نامه نقد زیر را فرستاده است. اینک دفتر هفته نامه به پاس حرمت به ماده ی سی و چهارم قانون اساسی کشور و احترام به آزادی بیان، واکنش مذکور را مستقیم به نشر می رساند! ای کاش دفتر بانوی اول به خود زحمت داده، امورات کارشان را توضیح می دادند. زیرا اکثریت قاطع مردم افغانستان که این هفته نامه را می خوانند امکانات دسترسی به انترنت را ندارند.



متن انتقاد

### مقامات امریکایی برای ارزیابی در خواست پناهجویان به استرالیا رفتند

مقامات امریکایی برای آغاز ارزیابی در خواست پناهجویانی که در جزیره مانوس پایا گینه نو و ناورو نگهداری می شوند، وارد استرالیا شدند. این خبر را نخست وزیر استرالیا روز شنبه اعلام کرد.

استرالیا هفته گذشته اعلام کرد که با ایالات متحده به توافق رسیده است که حدود ۱۲۰۰ پناهجویی را که در کمپ های استرالیا در جزایر اقیانوس آرام نگهداری می شوند، بپذیرد. هرچند انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری امریکا، شک و تردیدهایی را درباره اجرای این طرح دامن زد.

ترامپ کارزار انتخاباتی خود را با تمرکز بر سیاست ممنوعیت مسلمانان به ایالات متحده آغاز کرد اما بعدتر اظهارات خود را ملایم تر ساخت و گفت چنین ممنوعیتی شامل کسانی می شود که از کشورهای "مرتبط با تروریسم" می آیند.

این در حالی است که بسیاری از پناهجویانی که در کمپ های استرالیا نگهداری می شوند، مسلمان و از کشورهای بحرانی عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان هستند.

مالکوم ترنبول، نخست وزیر استرالیا روز شنبه در پرو گفت: "مقاماتی از اداره امنیت داخلی امریکا در حال حاضر در استرالیا هستند و آنها به زودی به ناورو خواهند رفت."

اسکان این پناهجویان بعید به نظر می رسد که پیش از به انتقال رسمی قدرت به ترامپ در ۲۰ جنوری، انجام شود.

در همین حال، ترنبول، به خاطر رفتار با آوارگان، با انتقاد و خشم در داخل استرالیا و در سطح جهانی روبرو است. مخالفت حکومت جدید امریکا ممکن است ترنبول را مجبور کند تا در جستجوی کشور دیگری برای اسکان این پناهجویان باشد.

### فرمانده ارشد داعش در حمله ی هواپیماهای امریکایی در افغانستان کشته شد

منابع محلی ولایت ننگرهار در شرق افغانستان تأیید کردند که "ملابزرگ" از فرماندهان ارشد گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) در حمله ی هوایی کشته شده است.

عطالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار به بی بی سی گفت که ملا بزرگ دیرننگام روز جمعه (۲۸ عقرب) در منطقه لاغرجوی ولسوالی کوت ولایت ننگرهار همراه با ۷ تن از افرادش در یک حمله پهپادهای امریکایی کشته شده اند.

ملا بزرگ یکی از فرماندهان ارشد گروه داعش بوده که به گفته منابع محلی در نزد این گروه از اعتبار زیادی برخوردار بوده است.

نیروهای وابسته به گروه طالبان و داعش بارها در ولایت ننگرهار با هم درگیر شده اند.

ولایت ننگرهار در شرق افغانستان خاستگاه اصلی گروه داعش در افغانستان به حساب می آید، هرچند که نیروهای بین المللی و دولتی افغانستان بارها اعلام کرده اند که توانسته اند ضربات سنگینی به گروه داعش در این ولایت وارد و با انجام عملیات زمینی و هوایی شمار نیروهای داعش را به کمتر از نصف کاهش داده اند. با تمام تلاش های که تاکنون انجام شده هنوز نیروهای داعش به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت افغانستان بخصوص ولایت ننگرهار تلقی می شود.

### انتقاد دفتر بانوی اول از اداره ی هفته نامه ی صدای مردم افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 قابل توجه مدیر مسئول هفته نامه محترم صدای مردم!  
 به تاریخ ۲۳ عقرب ۱۳۹۵ مطابق ۱۳ نوامبر ۲۰۱۶ گزارش راجع به دفتر بانوی اول کشور جلالتمآب رولا (بی بی گل) غنی و هزینه دفترشان در این هفته نامه پخش گردیده بود. به اساس خبر مذکور یک سلسله شک و تردید ها را در مورد فعالیت های دفتر بانوی اول کشور در ذهن خواننده گان بوجود آورده اند. ای کاش! هفته نامه محترم صدای مردم قبل از نشر این خبر و گزارش شان سری به دفتر بانوی اول می زدند تا گزارش شان موثقتر میشد و به چشم سر مشاهده میکردند که این دفتر چی کار های را انجام داده است....  
 ادامه در ستون بالای صفحه

### ب. یوری

## اختلاف پارلمان و حکومت بر سر استیضاح وزیران؛ روپوشی بازی سیاسی



مجلس نمایندگان شانزده وزیر کابینه را به دلیل مصرف نکردن بودجه وزارت های شان استیضاح کردند. از این تعداد هفت وزیر از سوی این مجلس سلب اعتماد شدند و ۹ وزیر دیگر رای اعتماد دوباره گرفتند. ریاست جمهوری استیضاح وزیران را از سوی مجلس ناموجه خوانده و گفته است که استیضاح و سلب صلاحیت وزیران مطابق حکم ماده ۹۲ قانون اساسی صورت نگرفته و نمایندگان دلیل روشنی را برای استیضاح وزیران مطرح نکرده اند. ریاست جمهوری از دادگاه عالی کمک خواسته تا

استیضاح اعضای کابینه را تفسیر کند و اعلام کرده که وزیران تا ارایه نظر از سوی دادگاه عالی در مقام های شان بمانند.

اما مجلس نمایندگان استیضاح شانزده وزیر کابینه را بدون حضور وزیران در جلسه استیضاح ادامه داد.

ظاهرن دیده می شود که اختلاف میان مجلس نمایندگان و حکومت در این باره بروز کرده است اما در واقع این اختلاف جدی نیست و روپوشی از یک بازی می تواند باشد که میان حکومت و پارلمان به جریان افتاده است.

### توغل

## درنگی بر ردیابی ریشه های فساد در کشور



ادعای مبارزه با فساد، توسط افراد و یا حلقه ها تا گلو غرق در فساد، کارزار تبلیغات سیاسی بی بیش نیست. تأسف بارتر از همه در جریان ۵ سال اخیر، تجربه نشان داده که شعار مبارزه با فساد از سوی کسانی سر داده شده که خود و یا حلقه ها همکارشان پشت سر مافیای فساد یا حلقه ها فاسد قرار داشته و آن را سازمان داده است. در کشوری که حاکمیت سیاسی آن نه بر مبنای قانون، بلکه بر اساس معامله (بده و پستان) بنیاد گردیده باشد، شعار مبارزه با فساد جز کلمات دهان پُرکن و واهی به چیز دیگر تشبیه نمی شود. شخص و یا حلقه ها فاسد

درون ارگ و سپیدار تنها کاری که از دست شان برآمده تولید فساد و توسعه ی مافیای فساد است.

رهبران حکومت وحدت ملی هیچ گاه موجودیت فساد را رد نکرده و یا روزی نیست که از مبارزه با فساد سخن نگفته اند. متأسفانه تا جایی که واقعیت های عینی نشان می دهد، ریشه های فساد از همان مراکز قدرت (ارگ و سپیدار) آغاز و تا کوچک ترین ادارات متعلق به نظام در سرتاسر کشور گسترده است. تیم همکار با رهبری نظام، اکثر بنام ترین اشخاص و آن هم بدون شک فاسد و غیرقابل اعتمادترین است.





به تاریخ ۱۶ و ۱۷ عقرب سال گذشته در درگیری خونین که میان طرفداران امارت اسلامی و دولت اسلامی (داعش) در ولایت زابل رخ داد، ده‌ها تن کشته و زخمی و درآوردن از همه ۷ نفر گروگان هزاره سر بریده شدند. پس از آن داعشی‌ها مدتی بخشی از ساحات را از دست داده و اندکی به حاشیه رانده شدند. در جریان یک سال گذشته از آماده‌گی و کار تدارکاتی داعش در ولایات زابل، غزنی، ارزگان، غور و... بار دیگر خبرهایی به نشر رسید.

در جریان تابستان سال جاری، داعشی‌ها به شکل گروهی در چندین ولسوالی ولایت زابل زمین و جایگاه خریداری و در نقاط استراتژیک آن ولایت محل رهایی و پایگاه‌های جنگی تدارک دیده‌اند. در این رابطه جدا از مردم و ساکنان محلی و یا همجوار با داعش، مقامات بلندپایه‌ی دولتی، مسئولان امنیتی، اعضای پارلمان و شورای ولایتی زابل و مردم ولایات زابل و غزنی، بارها از دولت خواسته‌اند تا در این مورد توجه جدی نموده و جلو جا به جایی این نیروی اهریمنی را در آن ولایت بگیرد.

بسم الله افغان مل والی زابل و رئیس شورای ولایتی زابل در این روزها از موجودیت مراکز مجهز، قدرتمند و فعالیت گسترده‌ی داعشی‌ها در این ولایت یادآوری کرده است.

آنان در صحبت با رسانه‌ها گفته‌اند، که در بسیاری ساحات بیرق‌های سفید، جای‌شان را به بیرق‌های سیاه خالی کرده و در چندین ولسوالی و به ویژه در چهار ولسوالی و در آن میان در ولسوالی خاک افغان (خاکی‌ران) بیرق‌های سفید پایین و بیرق‌های سیاه بالا شده است.

عطاجان حق بیان رئیس شورای ولایتی زابل و صد‌ها تن شاهدان عینی آن مناطق به تأیید سخنان والی یادآور گردیده که در ولایت زابل داعشی‌ها مراکز بزرگ برپا و در حال تدارک و آمادگی برای حملات بعدی می‌باشند. پس از یک سال بالاخره دولت در جریان هفته‌ی گذشته هیئتی را برای بررسی نقاط آسیب پذیر به نقطه‌ی صفری و خطوط تماس با مناطق داعش نشین فرستاد. متأسفانه هیئت اعزامی ارگ که سال گذشته زیر نام تبادل‌ی گروگان‌ها به معامله‌ی یک جانب‌ه با جوانب درگیر پرداخته بود، این بار ساکنان این نواحی را نه تنها به کمک دولت امیدوار نساخته، بلکه خوف و هراس دیگری را هم در منطقه ایجاد کرده که مبادا دست‌های پشت پرده در تدارک سناریوی خونین دیگر همانند سال پار در منطقه نباشد.

حکومت مرکزی و به ویژه نیروهای امنیتی کشور اگر این تهدید بزرگ امنیتی را جدی نگرفته و از کنار آن همانند یک سال گذشته بگذرد، یقیناً این تهدید بالقوه به گونه‌ی بالفعل شکل گرفته و بنا به ظرفیت و پوتانسیل اجتماعی و ساختار عقب مانده‌ی زندگی قبیلوی که در این مناطق وجود دارد، می‌تواند به یک چالش بزرگ در کشور تبدیل شود.

وظیفه‌ی حکومت مرکزی است که به جای گفته‌های بدون عمل، به دنبال عمل رفته و با عمل به موقع، این گروه تروریستی را در آن منطقه از میان بردارد، ورنه کوچک‌ترین بی‌توجهی می‌تواند عواقب شوم و تیره‌یی را در پی داشته و دیگر هرگز جبران نگردد.

# ناسازگاری بستر فرهنگی با ارزش‌های

## جدید و تولید خشونت

### بشیر یآوری

در جریان امسال تاکنون گزارش‌های زیادی از خشونت و اختلاف‌های خانوادگی از گوشه و کنار کشور به نشر رسیده که حکایت از این واقعیت دارد که اختلاف خانوادگی و خشونت علیه زنان یکی از معضله‌های جدید جامعه افغانستان است که هر روز ابعاد، زمینه‌ها و عوامل آن چهره‌نمایی می‌کند.

چند روز پیش سارنوالی منع خشونت علیه زنان در ولایت بلخ اعلام کرد که میزان در خواست طلاق در میان زنان جوان از شوهران شان در این ولایت دو برابر شده است. در سال گذشته آمار درخواست طلاق ۳۵ مورد بوده و اما امسال به ۶۵ مورد افزایش یافته است.

سارنوالی منع خشونت علیه زنان در ولایت بلخ دلیل افزایش در خواست طلاق از سوی زنان را خشونت‌های خانوادگی، بیکاری، پرداخت نشدن نفقه، ممنوعیت از تحصیل و اعتیاد به مواد مخدر یاد کرده است.

همچنان گزارش‌ها می‌رساند که آمار خشونت علیه زنان در شهرها و کوشه و کنار کشور بخصوص ولایت‌های شمالی مانند فاریاب، تخار و جوزجان رو به افزایش است.

سوالی که مطرح می‌شود این است چرا موارد خشونت‌های خانوادگی و بخصوص خشونت علیه زنان در جامعه افغانستان هر روز بیشتر و دامنه آن گسترش می‌یابد؟

در کنار عوامل مختلف دیگر یک عامل افزایش خشونت‌های خانوادگی در جامعه‌ی امروزی افغانستان می‌تواند ناسازگاری بستر فرهنگی و اجتماعی این جامعه با ارزش‌های جدید باشد که این ارزش‌ها و الگوهای جدید در نتیجه روند تغییرات اجتماعی در سال‌های اخیر وارد زندگی افراد این جامعه شده است اما بینش، ارزش‌های فرهنگی و هنجارها اجتماعی سنتی با این ارزش‌های جدید ناسازگار است و حل و هضم نشدن این ارزش‌ها و هنجارها باعث رفتارهای تنش بر انگیز و خشونت‌آمیز می‌شود.

اخیر وارد زندگی افراد این جامعه شده است اما بینش، ارزش‌های فرهنگی و هنجارها اجتماعی سنتی با این ارزش‌ها و الگوهای جدید ناسازگار است و حل و هضم نشدن این ارزش‌ها و هنجارها باعث رفتارهای تنش بر انگیز و خشونت‌آمیز می‌شود.

آنچه در جریان پانزده سال گذشته در جامعه افغانستان محسوس است این است که این جامعه از یک جامعه‌ی که مظاهر زندگی مدرن و وسایل اطلاع‌رسانی و ارتباط جمعی نداشت و مراکز آموزشی آن در جریان سه دهه جنگ از کارکرد افتاده بود به یک جامعه‌ی که یکباره دارای وسایل اطلاعات جمعی شده و دسترسی به رسانه‌ها در بیشتری از نقاط دور افتاده آن وجود دارد و مکتب‌ها و دانشگاه‌های آن فعال گردیده، متحول شده است.

ارزش‌ها و الگوهای جدید در شهرها و بعضی از روستاهای آن وارد زندگی افراد جامعه شده است. بدون تردید این تغییرات تأثیراتی را برنوع روابط، نگرش و چگونه زندگی کردن افراد جامعه وارد کرده و بیشتری از جوانان به دلیل این‌که سطح دانش و آگاهی‌شان بالا رفته است، فهم و نگاه‌شان از زندگی سنتی نیز تغییر کرده است و برای خود الگوهای جدید زندگی را انتخاب کرده‌اند که با الگوهای سنتی و کهنه سازگار نیست.

اما از این‌که زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پذیرش این تغییرات در جامعه افغانستان رشد نیافته و بسته مانده باعث بروز خشونت در روابط میان افراد می‌شود.

برای نمونه در جامعه‌ی به شدت سنتی که رفتن دختران در بیرون از خانواده به منظور تحصیل ناهنجاری تلقی می‌شود در چنین جامعه و محیط فرهنگی کار زنان در بیرون از خانه حساسیت‌های

گونگونی را بر می‌انگیزد که این حساسیت‌ها باعث خشونت و محدودیت بر زنان می‌شود.

مثال دیگر تا پانزده سال پیش که سخنی از حقوق مساوی مرد و زن در جامعه افغانستان مطرح نبود و نه نهادهای مسوولی در این مورد وجود داشت به طور مطلق دختران به صلاح دید پدران و اولیای شان شوهر می‌کردند و جرئت این را نداشتند که اعتراض کنند. اما اکنون درک دختران از ازدواج تغییر کرده و نیز زمینه نپدیدرفتن ازدواج اجباری و اعتراض در مورد آن وجود دارد. اگر خشونت علیه زنی در یک روستا و منطقه دور دست اتفاق بیافتند بخاطر وجود وسایل اطلاع جمعی پوشیده نمی‌ماند.

بخاطر اینکه فاصله میان این تغییرات اجتماعی و بستر فرهنگی و نگرش حاکم وجود دارد مثلن اگر دختری در یک خانواده از حق تحصیل و یا انتخاب شوهر خویش استفاده کند مورد نکوهش و برخورد خشونت‌آمیز قرار می‌گیرد و یا اگر زنی تصمیم بگیرد که از شوهرش به دلیل بد رفتاری و خشونت و هر دلیل دیگر طلاق بگیرد متهم به بد اخلاقی می‌شود و با او با خشونت می‌شود.

همه‌ای این موارد خشونت و تنش‌ها ناشی از نبود سازگاری میان تغییرات جدید اجتماعی با ارزش‌ها و هنجارهای کهنه در جامعه است.

با توجه به این توضیح این ناسازگاری تا زمانی خشونت تولید می‌کند که جامعه از نظر فرهنگی رشد کند و ظرفیت پذیرش ارزش‌های جدید بیشتر شود. متأسفانه ناامنی، سنت‌گرایی و بی‌برنامه‌گی دولت در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی و مبارزه با نابرابری‌ها، سبب می‌شود که کمتر شدن این فاصله زمان بیشتری را در بر بگیرد.

**در کنار عوامل مختلف دیگر یک عامل افزایش خشونت‌های خانوادگی در جامعه‌ی امروزی افغانستان می‌تواند ناسازگاری بستر فرهنگی**

**و اجتماعی این جامعه با ارزش‌های جدید باشد که این ارزش‌ها و الگوهای جدید در نتیجه روند تغییرات اجتماعی در سال‌های اخیر وارد**

**زندگی افراد این جامعه شده است اما بینش، ارزش‌های فرهنگی و هنجارها اجتماعی سنتی با این ارزش‌ها و الگوهای جدید ناسازگار**

**است و حل و هضم نشدن این ارزش‌ها و هنجارها باعث رفتارهای تنش بر انگیز و خشونت‌آمیز می‌شود.**

**آنچه در جریان پانزده سال گذشته در جامعه افغانستان محسوس است این است که این جامعه از یک جامعه‌ی که مظاهر زندگی مدرن و**

**وسایل اطلاع‌رسانی و ارتباط جمعی نداشت و مراکز آموزشی آن در جریان سه دهه جنگ از کارکرد افتاده بود به یک جامعه‌ی که یکباره**

**دارای وسایل اطلاعات جمعی شده و دسترسی به رسانه‌ها در بیشتری از نقاط دور افتاده آن وجود دارد و مکتب‌ها و دانشگاه‌های آن**

**فعال گردیده، متحول شده است.**

## درنگی بر ردیابی ریشه‌های فساد...

این تیم‌ها که در نظام‌سازی نه از طروق قانونی، بلکه از مسیر روابط، درون نظام وارد گردیده، اغلب بر مبنای علایق تباری، زبانی، سمتی و یا سیاسی امتیاز ورود به این حلقات را یافته‌اند. این گونه افراد زمانی که وارد بوروکراسی نظام می‌گردند، بخش عمده و اساسی اهداف‌شان را استحکام آن علایق از پیش گفته تشکیل می‌دهد. او پیش از ورود درون حلقه‌ی کار بوروکراسی متعهد به انجام یک سلسله قرارها بوده و پس از ورود ناگزیر به انجام و یا به پرداخت آن است. این گونه راهکار و چنین افراد هیچ‌گاه نمی‌تواند در مسیر مبارزه با فساد کوچک‌ترین گام مثبت را بردارد.

آن فیصدی معین را برای رئیس، آمر، مدیر، و یا فرد رابط پرداخته و دنبال کارشان می‌روند. معلمی را می‌شناسم که بیش از یک دهه است، در همین پایتخت خیاطی می‌کند ولی معاشش را ماهوار از یکی از ولسوالی‌ها گرفته و پس از پرداخت فیصدی به فرد مورد نظر، به دکان خیاطی‌اش برمی‌گردد.

مأمور برق یکی از نواحی کابل با استفاده از تقلب در کار پل برق از اهالی تحت نفوذش، در جریان یک، دو سال مصارف قاچاق و رسیدنش به اروپا را تهیه و در حالی که هم اکنون در آلمان به سر می‌برد، ولی خانواده‌اش هم چنان از طریق معاش آن مأمور اعاشه می‌کند.

کار هزاران سرباز، پولیس و یا مأموران ادارات دولتی که در زدوبند با آمرانش به شکل منظم معاش‌شان را از طریق حساب بانکی‌شان گرفته و بخشی از آن را به مافوقانش پرداخته و دنبال کار اصلی‌شان می‌روند، سخن امروزه نیست، نه دور و نه دیر صدها مأمور تذکره الکترونیکی وجود دارد، که در تباری با رئیس‌شان یک-دو سال معاش دالری گرفته ولی هیچ‌گاه در آن اداره نبوده است. گذشته از آن بسیاری مأمورانی هست که نه تنها در یک اداره دولتی و یا غیردولتی، بلکه از دو، و یا بیشتر از دو اداره معاش می‌گیرند، و اما خودشان هرگز در اداره حاضر نبوده و یا حتی آدرس اداره‌شان را به خوبی نمی‌دانند. هزاران فارغ صنف ۱۲، ۱۴ و یا لیسانس و در این اواخر ماستری به میدان عرضه شده که هیچ‌کدام سواد خواندن و نوشتن عادی را ندارند. آدرس مکتب، دانشگاه و مراکز فراغت‌شان را بلد نیستند. نام مضامین درسی را نمی‌دانند و حتی یک نفر معلم و یا استاد را در آن مراکز نمی‌شناسند.

## اختلاف پارلمان و حکومت بر سر ...

سوی نمایندگان مجلس تنها مصرف نبوده بودجه نبوده و انگیزه‌های سیاسی، قومی و تیمی در آن دخالت داشته است.

در گذشته نیز اعضای مجلس نمایندگان به دلایل سیاسی و در همسویی حکومت با وزیران برخورد کرده اند.

در جمع وزیرانی که رد شده اند وزیرانی هستند که کارکرد بهتری داشته اند و در ارایه خدمات و انجام پروژها موفق بوده اند اما بدون در نظر داشت کارکرد و شایستگی شان از سوی نمایندگان سلب صلاحیت شده اند و نیز وزیرانی که رای تایید گرفته اند نیز معیار تایید شدن آنها از سوی نمایندگان با در نظر داشت کارکرد شان نبوده است.

موضوع دیگر این است که بیشتری از وزیرانی که تایید شده اند مربوط یک تیم خاص هستند.

نکته قابل تأمل این است که نباید مصرف نشدن بودجه کافی از سوی شانزده وزیرکابینه را تنها به کم کاری آنها نسبت داد و آنها را مقصر اصلی دانست که در مصرف کردن بودجه وزارت‌های شان کوتاهی کرده‌اند.

در واقع، در مصرف نشدن بودجه، نظام بروکراسی کهنه، آماده نبودن هزینه پروژه‌ها، تاخیر در روند تایید شدن قراردادی‌ها از سوی کمیته تدارکات ملی و نیز وضعیت

شیرپور برود و ویلاها و قصرهای افسانوی شهرک و حسابات بانکی موت‌های زرهی تیمش را تعقیب نماید و یا از روز اول که وارد این کشور شده، تا امروز به حساب پس انداز بانکی و تعداد جایداد و امکانات خودش اندکی تأمل نماید، که چگونه و از کجا متورم گردیده است.

از همان روزهای اول شکل‌گیری نظام پس از بن اول که عدالت قربانی مصلحت سیاسی گردید، تا امروز فرهنگ معافیت از مجازات، جزئی از اصول اساسی این حکومت است. کسی ندیده و یا نشنیده که یکی از افراد اصلی و کلیدی قدرت متهم به فساد گردیده و یا حداقل کوچک‌ترین پاسخ‌دهی در مورد حساب‌دهی و مکلفیت مالی‌شان از خود نشان داده باشد. هم اکنون مشاوران رئیس گویا حکومت وحدت ملی کسانی است، که در دوران وزارت و یا مأموریتش در بست‌های بلند، مخارج تنها کُلفت‌های خارج اداره‌اش کم‌تر از حرمسرای ارگ امیر حبیب‌الله نبوده، بگذریم از این‌که بیشتر روی این نکته انگشت بگذاریم.

اگر رئیس حکومت عقل سلیم داشته باشد، و اگر برخورد فریب‌کارانه و پوپولیستی غرض انحراف افکار عامه از خود نشان نداده باشد، پرونده‌ی معاشات مأمورین دولتی و به ویژه پرداخت معاشات در اداره‌ی امور و دیگر ادارات ملکی و نظامی را مرور و پس از آن اگر رگه‌یی از وجدان در وجودش زنده باشد، بگوید که آیا پرداخت معاشات برای فلان اداره مثلن معارف فلان ولایت برای این قدر سال‌ها به جیب کی‌ها و چگونه رفته است؟

تاکنون کسانی که بازداشت گردیده، افراد و اشخاصی است که به گونه‌ی دقیق و مطابق قرارداد با مقامات بالایی و یا روابطش درون ارگ و سپیدار حقرسانی نتوانسته و یا در جریان کار در اداره، لغزش‌های سیاسی به نفع رقبای و مخالفان داشته و یا بر مبنای پیوند تباری، زبانی، سمتی، مذهبی و حتا روابط قومی و قبیولی با سران نظام مشکل پیدا کرده است.

ادامه دارد...

## طالبان از عینک سی‌آی‌ای (CIA)

"البته درک ما این بود که ملا عمر به هیچ قیمتی حاضر به قطع رابطه با بن لادن نیست، زیرا آن دو دیدگاه‌های بسیار مشابهی در رابطه به مسأله‌ی جهاد در سطح بین‌المللی داشتند. ملا عمر لقب رسمی‌اش "امیرالمؤمنین" بود و او آن را یک لقب جعلی و افتخاری برای خودش نمی‌پنداشت. رابطه بن لادن با ملا عمر اما بسیار پیچیده بود، او با بیعت به میزبان افغان خود، می‌خواست به صورت زیرکانه‌یی در پناه وی از خود یک شخصیت تاریخی بسازد. البته اطرافیان نزدیک ملا عمر بی‌صبرانه در انتظار تبعید بن لادن از افغانستان بودند. آن‌ها می‌خواستند تا شاهد روزی باشند که عرب‌ها باروبندیل خود را جمع کرده و از افغانستان بیرون بروند. پشتون‌ها به صورت گسترده‌یی بیگانه هراس‌اند و شاید به همین دلیل بود که حضور عرب‌ها خون بسیاری از اعضای رهبری طالبان را به جوش آورده بود. از جمله مخالفان حضور عرب‌ها یکی هم ملاختر محمد عثمانی یا "ملا عثمانی"، فرمانده‌ی زون جنوب طالبان و شخص شماره دوم آن گروه بود. گزارش‌های استخباراتی ما نشان می‌داد که او حتا این مخالفت خود را علنی بیان می‌کرد.

تصور من این بود که اگر ما بتوانیم از طریق پرداخت پول‌های گزاف به آن عده از رهبران پشتون که با آن‌ها تماس داشتیم، آن‌ها را ترغیب کرده و علیه عرب‌ها بشورانیم، این کار می‌توانست سبب جلب توجه جدی رهبری طالبان شود و متوجه شوند که میزبانی از عرب‌ها و بن لادن خطرناک‌تر از آن است که تصور می‌کنند. البته مطمئن بودم که منابع ما در میان پشتون‌ها، فاقد توانایی و قدرت لازم برای رژیم طالبان‌اند. با این حال من انتظار داشتم که مخالفت با حضور عرب‌ها در میان پشتون‌ها می‌توانست سبب ایجاد کشیدگی در رهبری طالبان شود. در کنار آن ما می‌توانستیم از طریق شماری از اقدامات موازی، به ملا عمر انگیزه بدهیم تا بهانه‌یی برای قطع رابطه با بن لادن و پیروان مشکل آفرین وی پیدا کند.

طالبان و به صورت ویژه ملاجلیل برای ما به وضاحت گفته بودند که در برابر این کارشان آنها خواستار به رسمیت شناخته شدن طالبان به عنوان دولت مشروع افغانستان‌اند. آنها خیلی علاقمند بودند تا کرسی خالی افغانستان را در سازمان ملل متحد تصاحب کنند. در کنار این مسأله، برخی افراد در رهبری طالبان به شمول ملاجلیل و اکبر با توجه به شرایط امنی که در بخش‌های گسترده‌ی افغانستان فراهم شده بود، می‌خواستند با به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی طالبان به عنوان دولت مشروع افغانستان، دست به فعالیت‌های تجارتي زده و از طریق آن پول به دست بیاورند.

باور من این بود که ما می‌توانستیم از طریق هماهنگی فشارها و پرداخت رشوه، وضعیتی را ایجاد کنیم که در پی آن شورای رهبری طالبان بر ملا عمر فشار آورد تا با بن لادن قطع رابطه کند. این کار می‌توانست بن لادن و پیروانش را مجبور سازد تا به مناطقی پناه ببرند که ما و متحدان ما به سادگی می‌توانستیم آنها را هدف بگیریم.

در بهار ۲۰۰۱ میلادی و کمی بعدتر از جلسه‌یی که با رئیس جمهوری در ماه مارچ در مرکز سی‌آی‌ای داشتیم، دیدگاه‌هایم را نوشته و آن را در اختیار سفیر کشورم بیل میلام قرار دادم. ما به موافقه رسیده بودیم که طرح من درست است و بایست شیوه‌های مؤثرتری را علیه طالبان اتخاذ کنیم که هم‌زمان حاوی فشار و امتیازدهی باشد. این مسأله سبب شد تا سفیر نیز پا به پای تلاش‌های من در سی‌آی‌ای، شبکه‌های خود در داخل حکومت امریکا حمایت لازم را برای طرح‌های من جلب کند که از آن جمله جلب حمایت برای امتیازدهی به طالبان در صورت اخراج بن لادن از افغانستان بود."

منبع: ۸۸ روز تا قندهار، نویسنده: رابرت ال. گرینبیر، برگردان: سنجر سهیل، انتشارات عازم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۶۱ و ۶۲



طالب حسین صمیم

نقد اجتماعی

## سختی‌های زندگی مهاجرت

### این جا مسأله "قانون شکنی" است!

مریم مهتر



پهنای جهان، هم چون سلول کوچک زندان برای یک مهاجر بی‌خانمان است. خشونت، ضرب و شتم در بازداشت‌گاه‌ها و اختلال‌های اخراج اجباری، به رنجوری زندگی دنیای مهاجرت، افزوده است. با آن که مهاجرت، رکنی از زندگی اجتماعی است که تاریخ آن ریشه در آغاز حیات انسانی دارد؛ اما این پدیده، دشواری‌های فراتر از تصور را در جهان معاصر برای مهاجران ایجاد کرده است.

مهاجران، گم‌نام‌ترین قشر اجتماعی است که رسانه‌های امروز، اوضاع و احوال آنان را کمتر زیر پوشش قرار می‌دهند. هم اکنون کشور افغانستان در سطح جهان، بیشترین مهاجر را دارا است که از ناامنی و عدم اشتغال، راه‌های پر خطر مهاجرت را در پیش گرفته و با مرگ دست به گریبان‌اند. چنان‌چه مدیران، در سال ۲۰۱۶م به گورستان مهاجران تشبیه شده است. این که مسؤلیت این همه فجایع انسانی بدوش کی‌ها است؛ شهروندان افغانستان، در مورد آن قضاوت می‌توانند.

سختی‌ها و سهولت‌های زندگی مهاجرت در جهان امروز، با پالیسی کشورهای مهاجرپذیر و کشورهای دارنده‌ی مهاجر، گره خورده است. به این مفهوم که سرنوشت دنیای مهاجرت، در دست تعاملات سیاسی است. چندسال پیش کشورهای مهاجرپذیر در سیاست‌های مرزی خود، آن چنان پالیسی سخت‌گیرانه نداشتند؛ خصوصاً کشور فدرال استرالیا بیشترین مهاجر را در چند سال گذشته در خاک خود اسکان بخشید؛ و با این کار توانست تغییرات کلی را در زندگی پناهجویان به وجود آورد. اما همین که حزب ائتلاف ملی کشور استرالیا در سال ۲۰۱۳ به رهبری تونی ابوت و تیم سیاسی‌اش به قدرت رسیدند، پالیسی مرزی و پذیرش مهاجران، از طرف دولت استرالیا دچار تغییر شد. بعد از این تاریخ، مهاجران را در میان جنگل‌زار جزیره پاپواگینه نو، مانوس و نانورو، با توافق مقامات این جزایر، فرستادند. مهاجران در ابتدا، امیدوار بر این بودند که شاید دولت استرالیا بعد از بررسی پرونده‌های درخواستی، آنان را به کشور استرالیا راه دهند. اما سال‌ها گذشت و هیچ

خبری از پذیرش و امیدواری به مهاجران نرسید. بلکه خشونت‌ها، ضرب و شتم، نبود امکانات صحتی و درمانی، زندگی را بر مهاجران دشوارتر ساخت. در این اواخر، دولت فدرال استرالیا طرح جدیدی را در خصوص مهاجران در نظر گرفته است که مطابق به این طرح، پناهجویانی که از تاریخ نوزده جولای سال ۲۰۱۳م با قایق‌های قاچاق وارد خاک استرالیا شده‌اند، به طور مادام‌العمر از ورود به خاک استرالیا محروم خواهند شد. این طرح، که اطفال در آن مستثنا گفته شده است، بدترین قانونی است که هنوز در هیچ کشوری برای پناهجویان طرح نشده است.

مالکولم ترنبل نخست‌وزیر دولت استرالیا می‌گوید: "مطابق با این لایحه، کلیه افرادی را که از نوزدهم جولای سال ۲۰۱۳ با قایق‌های قاچاق وارد استرالیا شده‌اند، از ویژه‌های تجارتی و سیاحتی به طور دائم محروم خواهند شد! در همین حال، پیتر داتون وزیر مهاجرت استرالیا نیز گفته است که این قدرت‌مندترین اعلامیه‌ی است که توسط دولت استرالیا در خصوص سیاست محافظت از مرزهای کشور استرالیا، اعلام شده است.

این طرح سخت‌گیرانه، توأم با اخطار از طرف دولت استرالیا برای مهاجران، با واکنش حزب کارگر و بعضی از شهروندان استرالیا مواجه شده است. هم چنان، رهبر حزب سبز استرالیا نیز

سختی‌ها و سهولت‌های زندگی مهاجرت در جهان امروز، با پالیسی کشورهای مهاجرپذیر و کشورهای دارنده‌ی مهاجر، گره خورده است. به این مفهوم که سرنوشت دنیای مهاجرت، در دست تعاملات سیاسی است. چندسال پیش کشورهای مهاجرپذیر در سیاست‌های مرزی خود، آن چنان پالیسی سخت‌گیرانه نداشتند؛ خصوصاً کشور فدرال استرالیا بیشترین مهاجر را در چند سال گذشته در خاک خود اسکان بخشید؛ و با این کار توانست تغییرات کلی را در زندگی پناهجویان به وجود آورد. اما همین که حزب ائتلاف ملی کشور استرالیا در سال ۲۰۱۳ به رهبری تونی ابوت و تیم سیاسی‌اش به قدرت رسیدند، پالیسی مرزی و پذیرش مهاجران، از طرف دولت استرالیا دچار تغییر شد. بعد از این تاریخ، مهاجران را در میان جنگل‌زار جزیره پاپواگینه نو، مانوس و نانورو، با توافق مقامات این جزایر، فرستادند. مهاجران در ابتدا، امیدوار بر این بودند که شاید دولت استرالیا بعد از بررسی پرونده‌های درخواستی، آنان را به کشور استرالیا راه دهند. اما سال‌ها گذشت و هیچ خبری از پذیرش و امیدواری به مهاجران نرسید. بلکه خشونت‌ها، ضرب و شتم، نبود امکانات صحتی و درمانی، زندگی را بر مهاجران دشوارتر ساخت.

می‌گوید: این بی‌انصافی است که شخصی، چهل سال پیش توسط قایق به استرالیا آمده است و اکنون در امریکا زندگی می‌کند، دولت استرالیا او را از بازدید به کشور استرالیا محروم سازد. به باور اعضای حزب کارگر استرالیا، پالیسی‌های مرزی این کشور در شرایط فعلی به "زخمی چرکین" تعبیر شده است که باعث مرگ مردم می‌شود. به باور خانم ملیسا پارک، نماینده‌ی پارلمان حزب کارگر، پناهجویانی که توسط قایق به استرالیا می‌آیند و سپس به مراکز پناهجویان در خارج از استرالیا نگهداری می‌شوند، به وضعیت نگران‌کننده روبرو می‌شوند. این سخنرانی خانم ملیسا پارک در واکنش به خود سوزی دو پناهجو به رسم اعتراض در چند مدت پیش، در بازداشت‌گاه نانورو بود.

مدیر دیدبان حقوق بشر استرالیا نیز می‌گوید که تصمیم دولت استرالیا ناقض قوانین بین‌المللی است. به گفته‌س او، "به موجب کنوانسیون پناهندگی سازمان ملل متحد، مقرراتی وجود دارد که در مطابقت به آن، شما نمی‌توانید به پناهجویان تبعیض قائل شوید."

به نظر می‌رسد که دولت استرالیا بدون پشتیبانی سناتوران حزب کارگر، این طرح را به سختی عملی خواهد کرد. یا از عملی نمودن این طرح سخت‌گیرانه، عاجز بماند. پس از این که دادگاه عالی پاپواگینه نو برای بسته شدن بازداشت‌گاه مانوس حکم صادر کرد، استرالیا برای اسکان دادن ۱۲۰۰ پناهجوی بازداشت شده، تحت فشار قرار گرفت. هم اکنون دولت استرالیا در تلاش است تا کشور سوم را جستجو نماید که پناهجویان جزایر نانورو و مانوس و پاپواگینه نو را اسکان‌گزینه نماید که احتمال دارد که این کشور سوم همان کانادا و ایالات متحده امریکا باشد؛ اما دولت استرالیا با کشور های کانادا و امریکا در این مورد، تا هنوز به توافق نرسیده است.

گفتنی است که کشور استرالیا یکی از کشورهای است که کنوانسیون پناهندگی بین‌المللی را امضا کرده است، اما متأسفانه هم اکنون خود دولت استرالیا تعهد قانونی خود را در قبال مهاجران و حقوق آنان، نقض می‌کند.

آزار رساندن به همدیگر از هر طریقه‌ی ممکن در کشوری مانند افغانستان که شهروندانش به جای این‌که همدل و همدرد همدیگر باشند، بیشتر دشمن و در کمین همدیگر‌اند، یک پدیده‌ی عادی و غیرقابل انکار می‌باشد. در این میان زنان و دختران آسیب‌پذیرتر از مردان هستند. زندگی در جامعه‌ی سنتی و با دید بسته مخصوصاً در مسایلی مربوط به زنان، یکی از دغدغه‌های اساسی قشر زن را در این کشور تشکیل می‌دهد. با توجه به تمامی این مشکلات، دولت افغانستان قانون تازه‌یی در برابر آزار جنسی وضع کرده است. در این قانون آمده است که: "هر کسی که باعث آزار و اذیت یک خانم یا طفل شود مجبور و مکلف به پرداخت جریمه‌ی نقدی از پنج هزار گرفته تا ده هزار است." در این بند از قانون از خانم و طفل به صورت مشخص نام گرفته شده است، ولی هیچ اشاره‌یی به مردان نشده است. عده‌یی از شهروندان این مسأله را مورد پرسش قرار داده‌اند اما با آن هم به چیزی که همه‌ی شهروندان افغانستانی باور داریم، این است که زن در این سرزمین بیشتر مورد آزار قرار می‌گیرد تا مرد. از قانون و قانون‌تراشی که بگذریم مسأله‌ی دیگر قانون شکنی است. درست است که قانون وضع و تصویب می‌شود، ولی کجاست مرد عمل!

همین چند روز پیش طبق آماری که از سوی یکی از نهادهای بین‌المللی منتشر شده بود، افغانستان یکی از قانون‌شکن‌ترین کشورهای دنیا معرفی شده بود. با این وضعیت تصویب قانون در این‌جا مانند کاه گل کردن روی خاک خشک است. هر چقدر قانون وضع شود ولی وقتی عملی نشود، هیچ است. یک زمانی قانون وضع شده بود که هر کس در اماکن عمومی سیگار بکشد، باید سیصد افغانی جریمه بپردازد، ولی این قانون حتا یک روز هم عملی نشد. قانون دیگر در رابطه به مصارف عروسی وضع شده بود. ولی پس از وضع آن قانون هنوز هم جوانان و خانواده‌ها با مصارف کمرشکن عروسی مواجه‌اند. نیاز به قانون از ضروریات است. ما انسان‌ها نیاز به قانون داریم تا انسان‌ها میل به خودسری پیدا نکنند. هر کس بخواهد آزاد باشد، باید اطاعت از قانون کند. آزادی واقعی در جایی است که قانون باشد و نباید فراموش کرد که رشد و پیشرفت و اداره‌ی جامعه جز در سایه‌ی قوانین و مقررات و وضع محدودیت‌ها میسر نیست. قانون مسیری است که توسط دولت یا جامعه برای رشد جامعه و مردم تعیین می‌شود. ملتی که می‌خواهد خوشبخت باشد باید زیر چتر قانون زندگی کند و زمانی که مسیر مردمی با مسیر قانون انحراف پیدا کند، بدون شک آن ملت و جامعه دچار بدبختی می‌شود. افلاطون یکی از فیلسوف‌های بزرگ جهان گفته است که "ملت قانون‌پذیر کمتر دچار بدبختی می‌شود."

وضع قوانین خوب باعث پیشرفت یک جامعه می‌شود، در حالی که تعیین قوانین بد باعث ایجاد قانون‌های بدتری می‌شود. در افغانستان ما با کمبود قانون مواجه نیستیم، بلکه چیزی که ما با آن روبرو هستیم پیاده کردن یک قانون در جامعه‌ی عمل است. لازم است تا قبل از وضع یک قانون مردم یک جامعه قانون‌پذیری را یاد بگیرند. برای این که جامعه قانون‌پذیر باشد، شرط اول اطاعت قانون توسط حاکمان سرزمین است. در سرزمینی مانند افغانستان که از بلندترین مقام رسمی که ریاست جمهوری است گرفته تا پایین‌ترین مقام همه‌مصرف قانون‌شکنی باشد، پس چه توقعی می‌توان از مردمش داشت؟ باید بگویم که اول قانون نویسان ما از قانون اطاعت کنند، بعد بنشینند و قانون سر هم کنند. کاش حاکمان کشور ما به جای تطمع کردن این همه قانون‌نویس و قانون‌پوه، چند نفری را جهت عملی و پیاده کردن قانون هم استخدام کنند.